



ادله میرداماد و ابن سینا برای زیارت قبور بزرگان

وهابیت زیارت قبور بزرگان را مصداق شرک به خدا معرفی می کند و این اندیشه باعث ایجاد جنایت های فراوانی توسط آنان شده است. میرداماد و ابن سینا ادله ای برای زیارت قبور بزرگان ارائه کرده اند.

وهابیت زیارت قبور بزرگان را مصداق شرک به خدا معرفی می کند و این اندیشه باعث ایجاد جنایت های فراوانی توسط آنان شده است. میرداماد و ابن سینا ادله ای برای زیارت قبور بزرگان ارائه کرده اند.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه: عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنِ الْمُعَلَّى أَبِي شَيْهَابٍ قَالَ: قَالَ الْخُسَيْنُ ع لِرَسُولِ اللَّهِ ص يَا أَبَتَاهُ مَا لِمَنْ زَارَكَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَا بُنَيَّ مَنْ زَارَنِي مِنْ رِجَالِكُمْ حَيًّا أَوْ مَيِّتًا أَوْ زَارَ أَبَاكَ أَوْ زَارَ أَخَاكَ أَوْ زَارَكَ كَانَ حَقًّا عَلَيَّ أَنْ أَزُورَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَأَخْلِصَهُ مِنْ دُؤْبِهِ.

مرحوم کلینی به سند خود از معلى بن ابی شهاب نقل می کند: روزی امام حسین (ع) به رسول خدا (ص) عرض کردند: پدر جان کسی که شما را زیارت کند چه پاداشی برای اوست؟

رسول خدا (ص) فرمودند: پسر هر کسی من را زیارت کند چه در حال حیات و چه بعد از اینکه از دنیا رفته باشم و یا پدرت علی را زیارت کند و یا تو و برادرت حسن را زیارت کند حقی برای من بر گردن اوست که در روز قیامت به زیارتش می روم و او را از گرفتاری هایی که به سبب گناهانش دچار آن شده است آزاد می کنم.

این روایت گوشه ای از احادیث فراوانی است که اهمیت زیارت ائمه علیهم السلام را نشان می دهد. هشتم شوال یادآور خاطره تلخ تخریب قبور مطهر ائمه بقیع علیهم السلام توسط فرقه ضاله وهابیت است.

تاریخ مختصر وهابیت تا تخریب قبور ائمه بقیع علیهم السلام

این فرقه منسوب به محمد بن عبد الوهاب است که در سال ۱۱۱۱ ق متولد و در تاریخ ۱۲۰۷ یا ۱۲۰۶ از دنیا رفته است.

او از اهالی نجد کشور عربستان است و از ابتدا دارای نظرات خاص بود به طوری که پدرش نیز با او مخالف بود و برادرش به نام سلیمان بن عبد الوهاب کتابی در رد او نوشت. نظرات محمد بن عبدالوهاب برگرفته از نظرات ابن تیمیه معروف به شیخ الاسلام که در قرن هفتم می زیسته، می باشد.

محمد بن عبدالوهاب اظهار مذهب خاص خود کرد و پس از اظهار مذهب اولین کسی که او را تبعیت کرد سعود بن عبد العزیز و محمد بن سعود بودند. هم اکنون نیز حکومت عربستان از این دو خانواده تشکیل می شود و آل سعود قدرت سیاسی و آل شیخ قدرت دینی را در اختیار دارند. به این طریق وهابیان قدرت گرفتند و به جنگ با مخالفان خود اعم از شیعه و سنی مشغول شدند.

حاکم حجاز به نام شریف غالب با وهابیون جنگید تا اینکه در سال ۱۲۱۲ بین آنها صلح واقع شد. در سال ۱۲۱۶ سعود بن عبدالعزیز بن محمد بن سعود با لشکر عظیمی به سمت عراق حرکت کرد و در کربلا ابتدا آنجا را محاصره کرد سپس وارد شهر شد و قتل عام عظیمی راه انداخت و قبر مطهر سید الشهداء را تخریب کرد و اموال آن را به غارت برد و نسبت به قبر مطهر بی احترامی کردند.

در سالهای بعد این حملات به عراق و شهر نجف و حله و کربلا ادامه داشت. مرحوم سید محمد جواد عاملی که از شاگردان خاص سید بحر العلوم رحمه الله بوده است در پایان جلد پنجم از کتاب گرانسنگ مفتاح الکرامه می نویسد: «خدای متعال بر من منت گذاشت و به برکت بهترین خلقش حضرت محمد (ص) و آل بیتش علیهم السلام توفیق اتمام جلد پنجم کتاب مفتاح الکرامه حاصل شد در اول ماه ربیع الاول سال ۱۲۲۱ در حالی که حال دگرگونی دارم و فکرم را مشغول کرده است. مصیبت هایی که این خارجی ملعون _ اشاره به فتنه محمد بن عبدالوهاب _ بر سر ما آورده است. چرا که او بدعت هایی در دین گذاشته و دماء مسلمین را مباح دانسته و قبور ائمه علیهم السلام را خراب کرده است و در سال ۱۲۱۶ بر کربلا حمله کرد و آنجا را غارت کرده مردان و بچه ها را به قتل رساند و اموال را غارت کرده و بناهای حرم را خراب کرد و بعد بر مکه و مدینه مسلط شد و با بقیع آنچه کرد که می دانیم اما قبه نبی مکرم را خراب نکرد و در سال

۱۲۲۱ تاریخ اتمام جلد پنجم در شب نهم ماه صفر ساعتی قبل از صبح به نجف اشرف حمله کرد و ما در غفلت بودیم حتی بعضی از افرادش از دیوارهای قلعه دور شهر بالا آمدند و نزدیک بود که شهر را تصرف کنند، اما عنایاتی از مولا امیرالمومنین (ع) ظاهر شد و کرامات دیده شد و بسیاری از سپاهش کشته شدند و سرافکنده بازگشتند. و له الحمد علی کل حال

عبارت وی ناظر به حمله اول به بقیع است، اما جنایات وهابیت ادامه پیدا کرد. آنها در سال ۱۲۱۷ وارد شهر طایف شدند و قتل عام عظیمی در آنجا به راه انداختند. در سال ۱۲۱۸ بدون جنگ وارد مکه شدند و سعود از همه بیعت گرفت و از فردای آن روز طی سه روز تمامی آثار و گنبدهای شهر مکه را خراب کردند و دستور دادند علما مکه کتاب کشف الشبهات محمد بن عبد الوهاب را تدریس کنند و کسی یارای مخالفت نداشت.

در سال ۱۲۲۱ به مدینه حمله کردند و آثار آن را ویران کرده و اشیا قیمتی حرم نبوی را به غارت بردند و باعث تعطیل شدن حج به مدت سه سال شدند. تا سال ۱۲۴۲ این جنگ ها ادامه داشت تا اینکه در ۱۳۴۳ دوباره به طایف و مدینه و مکه حمله کردند و در ۸ شوال ۱۳۴۴ برابر با ۲ خرداد ۱۳۰۲ گنبد و بارگاه های موجود در آنجا را خراب کردند.

این همه جنایت به خاطر تفکر غلطی است که از جانب وهابیون رواج یافت و زیارت قبور بزرگان را مصداق شرک به خدای متعال می دانند.

ادله میرداماد و ابن سینا برای زیارت قبور بزرگان

در مورد این شبهه جوابهای بسیاری از جانب بزرگان بیان شده است و از نظر روایات شبهه ای در استحباب زیارت قبور ائمه علیهم السلام وجود ندارد. میرداماد در کتاب قبسات و ابن سینا در کتاب «رسائل» برای زیارت قبور بزرگان ادله ای عقلی بیان کرده اند و فیاض لاهیجی در کتاب شریف «گوهر مراد» کلام هر دو بزرگ را نقل فرموده که نقل عبارت ایشان ولو با ادبیات فلسفی بیان شده است، اما خالی از لطف و استفاده نیست:

«و اما سر انتفاع از زیارت قبور و اتیان مشاهد آن است که نفس را دو گونه علاقه با بدن حاصل است: یکی از جهت صورت شخصی بدن معین مخصوص و به موت لا محاله این علاقه منقطع شود؛ و دیگر از جهت ماده محفوظه الشخص فی ضمن آیه صورۃ کانت بدنیة، أو ترابیة أو غیر ذلک؛ و این علاقه به موت باطل نشود بلکه باقی ماند. پس نفس مفارقت کرده از بدن، همیشه متوجّه و متوقع ماده بدنیه خود باشد، از مقوله سفر کرده که یاد خانه و منزل خود کند. پس هرگاه نفس مؤمن و صالح باشد و بالجمله کمالی و طهارتی و علمی و عملی کسب کرده بود، هرآینه مورد اشراقات انوار الهیه و فیوضات ربّانیّه گردد و نفس زائر نیز هرگاه به توجّه تمام به مرقد مزور حاضر شود و این حضور مرقد را حضور و صحبت او داند لا محاله از فیض وارد به نفس مزور پرتوی در نفس زائر افتد و به قدر استعداد، لا محاله منتفع شود. و از مسلمیت این معنی است که، جمیع عقلا در همه ازمینه، این عادت را مراعات می کرده اند و اتیان مشاهد و مزارات می نموده اند و در آن امکانه صلات و صیام و صدقه بجا می آورده، و آثار عجیبه و منافع عظیمه می یافته. امام فخر رازی در کتاب «مطالب عالیّه» گفته: که شاگردان ارسطو را بعد از فوت وی هرگاه مسأله؛ ای مشکل می افتاد به زیارت او آمده، بر سر تربت وی مباحثه می کردند و از روحانیت آن حکیم کامل، مشکل ایشان حلّ می شد، و حقیقت مسأله؛ بر ایشان منکشف می گردید و امثال این حکایت نسبت به قبور اکابر و زهاد و علما دین بسیار اتفاق می افتد و این دلیل است روشن بر تجرّد نفس؛ ناطقه. و شیخ ابو علی گفته: که نفس کامل شده در علم و عمل چون مفارقت کند شبیه عقل فعال شود و مانند او تصرف در این عالم تواند کرد. و چون نفس زایر به وسیله زیارت مستمد از آن نفس کامل شود، در طلب خیری و سعادت یا دفع شرّی و اذیت، لا بد است که به قدر استمداد مدد وی کند و تأثیر عظیم ظاهر گردد.»

منابع:

الکافی (ط - الإسلامیة)؛ ج ۴؛ ص ۵۴۸

مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه ج ۵ ص ۵۱۲ چاپ قدیم

القبسات ص ۴۵۵

رسائل ابن سینا ۳۳۸

گوهر مراد؛ ص ۳۳۴